

بررسی تطبیقی نماز در دین اسلام و آیین زرتشت

سعید ششگل نژاد*

دانشجوی دکتری الهیات - علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران

عبدالمجید طالب تاش**

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۹)

چکیده

نماز گونه‌ای نیایش و عملی-عبادی برای برقراری ارتباط مستقیم و صعودی میان انسان با خداوند است که میان همه ادیان الهی مشترک است. مسلمانان و زرتشتیان به انجام این عمل عبادی ملزم هستند. این پژوهش با تتبع در متون مکتوب اسلام و زرتشت و به روش کتابخانه‌ای، به بررسی تطبیقی جایگاه نماز در این دو شریعت آسمانی پرداخت. همچنین، اشتراکات و تمایزات آن در این دو شریعت بررسی شد. در این پژوهش، روشن شد که نماز در اسلام و زرتشت از اهمیت بسیاری برخوردار است. این پژوهش به دست داد که از نظر اثربخشی در برقراری ارتباط با معبود، طهارت‌بخشی به روح و باطن، جلوه‌گاه شکرگزاری و سپاس در برابر نعمت‌های خداوند، نوبت‌های پنجگانه و سنّ و وجوب نماز، میان اسلام و زرتشت قرابت و نزدیکی وجود دارد. این بررسی روشن کرد که نماز، در آیین زرتشت، هم‌عرض اعمال عبادی دیگر است، اما در اسلام، محور و رکن اساسی دینداری است. از این رو، در اسلام هیچ جایگزینی ندارد، منقطع نمی‌شود و از تکثرگونه‌ای برخوردار است و قبولی یا ناقبولی دیگر عبادت‌ها به پذیرش یا پذیرفته نشدن آن بستگی دارد که چنین رویکردی به نماز در آیین زرتشت یافت نشد.

واژگان کلیدی: نماز، جایگاه، اسلام، زرتشت، اوستا، قرآن، روایات.

(نویسنده مسئول) *E-mail: saeed6golnejad@gmail.com

**E-mail: talebtash@yahoo.com

مقدمه

همه ادیان آسمانی، عبادت و پرستش را به عنوان برنامه و مراسم مخصوص دینی، مورد توجه قرار داده‌اند و انجام آن را برای پیروان خود امری ضروری تلقی کرده‌اند. نماز مهم‌ترین نماد پرستش محسوب می‌شود که چه بسا بتوان آن را به عنوان شاخصی برای مقایسه ادیان با یکدیگر در نظر گرفت.

در اسلام، نماز فریضه‌ای واجب است که از ارکان دین به شمار می‌آید (ر.ک؛ موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۱۰) و به عنوان مهم‌ترین نماد پرستش، در آیات و روایات بر اقامه آن تأکید شده است. قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ﴾ کسانی که کتاب الهی را تلاوت می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، تجارتی بی‌زیان و خالی از کساد را امید دارند ﴿فاطر/ ۲۹﴾.

پیامبر اسلام (ص) نماز را نور چشم خود معرفی می‌فرماید (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۰: ۱۶ و غزالی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۲۱).

از سوی دیگر، پیش از ورود اسلام به ایران، در میان ایرانیان، آیین یکتاپرستی زرتشت رواج داشت که تاریخ پیدایش آن به صدها سال پیش از تولد اسلام بازمی‌گردد. یکی از آداب دینی زرتشتیان، نماز بود. از این رو، این پرسش مطرح است که در سرزمین ایران که بیشتر جمعیت آن مسلمان هستند و هم‌چنان اقلیتی از مردم بر آیین پیشین خود، یعنی زرتشت باقی مانده‌اند، چگونه ارتباط معناداری میان رفتارهای عبادی - تکلیفی پیروان این دو آیین و از جمله عمل عبادی نماز وجود دارد؟ از آنجا که خاستگاه و تداوم آیین زرتشت، کشور ایران است و هنوز هم در گوشه و کنار این کشور، پیروانی دارد و از سویی، اوستا به عنوان کتاب این آیین، مسئله نماز و ارتباط انسان با خدا را مورد اهتمام قرار داده است، بازخوانی جایگاه نماز در اسلام و زردشت و نیز بررسی مقایسه‌ای این دو

مکتب توحیدی پیرامون ماهیت نماز، می‌تواند بستر مناسبی برای معرفت‌افزایی در زمینه کارکرد نماز در چنین جامعه‌ای را فراهم آورد که پیروان هر دو مکتب در آن زندگی می‌کنند. شناخت تطبیقی نماز به عنوان عمل عبادی مشترک میان این دو شریعت، از یک سو، تقویت هم‌زیستی آگاهانه و معرفت‌گرایانه پیروان آنها را سبب می‌شود و از سوی دیگر، ارزش‌های متعالی نماز را به عنوان پایه‌ای بنیادین در شریعت می‌نمایاند. تاکنون پژوهش‌های مختلفی با رویکرد مقایسه‌ای میان اسلام و زرتشت انجام شده که ماهیت آنها اغلب ناظر بر حوزه‌های اعتقادی است که از این دست می‌توان به اثر شاخص *خدمات متقابل اسلام و ایران* به قلم استاد مرتضی مطهری اشاره کرد. همچنین، مقاله «کردار نیک و گفتار نیک از نظر گاه اسلام و زرتشت» نوشته سوسن آل‌رسول و فاطمه شیرزاد جلالی در این عرصه صورت پذیرفته است، لیکن پژوهش مقایسه‌ای به صورت منسجم در حیطه تکالیف دینی و عبادات، به‌ویژه در موضوع نماز، میان اسلام و زرتشت صورت نگرفته است. بنابراین، نگاه مشترک اسلام و زرتشت به نماز، به عنوان مهم‌ترین بستر ارتباط میان انسان با خداوند، جستجوی وجوه تمایز میان اسلام و زرتشت، و سکونت حداکثری مسلمانان و حضور جمعی از زرتشتیان در کشور ایران، انگیزه این پژوهش شد تا از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و مستند به آثار مکتوب، به مقایسه نماز در این دو شریعت آسمانی پردازیم و مشترکات و امتیازات نماز در این دو شریعت را بازخوانی کنیم.

۱- معناشناسی نماز و صلاة

نماز واژه‌ای ایرانی است که ریشه اصلی آن به زبان‌های ایران باستان، از جمله پهلوی و اوستایی بازمی‌گردد و در معانی «خدمت و بندگی»، «خدمت‌کاری»، اطاعت، فرمانبرداری، سجده، سر بر زمین نهادن، گُرنش، تکریم، تعظیم، پرستش، ادای اطاعت و عرض نیاز» آمده است و در معنی «عمل خَم شدن و به خاک افتادن به علامت تعظیم» نیز کاربرد دارد (ر.ک؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۲۷۳۱؛ عمید، ۱۳۶۹: ۱۲۲۱ و معین، بی‌تا، ج ۳: ۳۴۴۳) که در فرایند وسعت معنایی، به پرستش و ادای اطاعت ایزد تعالی و عرض نیاز به سوی خدای عالمیان به طریقی که در شریعت پیغمبران الهی وارد شده، اطلاق می‌شود

(ر.ک؛ ابن سینا، ۱۳۷۴: ۳۵). معادل عربی آن، «صلاة» است. زبانشناسان معنای لغوی صلاة را دعا کردن، تبریک گفتن و ستایش دانسته‌اند. از این منظر، به این سبب صلاة خوانده‌اند که متضمن دعاست (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۹۰). ابن منظور از قول برخی زبانشناسان چنین آورده است: «قيل أصلها في اللغة التَّعْظِيم، و سُمِّيَت الصَّلَاةُ المَخْصُوصَةُ صلاةً لِمَا فِيهَا مِنْ تَعْظِيمِ الرَّبِّ تَعَالَى وَ تَقْدَسِ: اصل صلاة در لغت به معنای تعظیم و بزرگداشت است و از آنجا که در نماز به تقدیس و تعظیم پروردگار پرداخته می‌شود، به آن صلاة گفته شده است» (ابن منظور، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۴: ۴۶۴). همچنین، این واژه را به معنی توجّه، روی آوردن و اهتمام به چیزی یا به کسی دانسته‌اند و در اصطلاح شریعت اسلام، به یکی از مناسک عبادی و بنیادین اطلاق می‌شود که مرکب از قیام، رکوع، سجود، قرائت و ذکر توأم با نیت است. این عبادت با تکبیر آغاز و به سلام ختم می‌گردد. در شریعت اسلام، حقیقت صلاة توجّه بنده به خداوندگار خویش و تجدید عهد بندگی و اظهار تسلیم و سرسپردگی در برابر قادر متعال است (ر.ک؛ حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۸۱۰) و کمال آن به معنای حضور در برابر حق، مواجهه و مکالمه با حق، و نبود غیبت و مقام وصول یا اتصال و طاعت مقصود و محبوب یا یافتن مطلوب است (ر.ک؛ نوربخش، ۱۳۷۳: ۶۷). قبولی آن در گرو توجّه باطن است الی الله، و ملازمت در حضور، و اقبال به سوی حق، و اعراض از ماسوی الله، و دوام مکاشفت با حق و مقام راز و نیاز (ر.ک؛ سبحانی، ۱۳۶۲: ۴۷۳). به اعتقاد برخی زبانشناسان، واژه «صلاة» از ریشهٔ عبری اخذ شده که یا از «صلوتا» به معنای کنیسهٔ یهودیان و یا از «صلوها» مشتق شده است. البته تحقیقات متأخر حاکی از آن است که اصل صلاة سریانی بوده که نخست در جنوب عربستان و در میان اعراب قحطانی رواج یافته و آنگاه اعراب شمالی عدنانی آن را به کار برده‌اند (ر.ک؛ خزانلی، ۱۳۸۷: ۳۳۸). برخی صلاة را به معنای توجّه و انعطاف نیز گرفته‌اند؛ زیرا نوعی توجّه و انعطاف در برابر خداوند است (ر.ک؛ قرشی، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۱۴۹). بر اساس آیهٔ ﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ﴾ (البقرة/ ۱۵۷)، صلاة از جانب خداوند برای بندگان به منظور پاک کردن آنهاست و طبق آیهٔ ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ

عَلَى النَّبِيِّ... ﴿(الأحزاب / ۵۶)﴾، صلاة از سوی ملائکه، به معنای دعا و استغفار است (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق.: ۴۹۰). ابن فارس صلاة از سوی خداوند متعال را به سوی بندگان خاص خود، در معنای رحمت‌رسانی گرفته است (ر.ک؛ ابن فارس، ۱۴۱۸ ق.: ۳۰۰). مطابق آنچه ذکر شد، اصل این واژه برای دعا، تبریک، تمجید و تعظیم وضع شده است، اما در اصطلاح شریعت، بر هر عمل عبادی با آداب خاص اطلاق می‌شود که البته از باب اطلاق کُل به جزء به عمل عبادی خاصی اطلاق شده است. آیه ﴿...إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ (النساء / ۱۰۳)، حاکی از این است که عمل عبادی صلاة در تمام شریعت‌های آسمانی وجود داشته، هرچند در شکل عبادی آن تفاوت‌هایی وجود دارد (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق.: ۴۹۰).

ملاحظه می‌شود که میان نماز در فارسی با کاربرد صلاة در عربی، قرابت معنایی وجود دارد. به همین دلیل است که با ورود اسلام به ایران و حضور زود هنگام واژه صلاة در دستگاه زبانی ایرانیان مسلمان به عنوان عبادت مخصوصی که مورد تأکید اسلام است، به‌زودی با واژه مترادف خود، یعنی نماز که پیش از ورود اسلام به ایران، در آیین زرتشت شناخته شده بود، همسان‌انگاری و جایگزین‌سازی شد. همگرایی این دو واژه در معنا، اصطلاح، مفهوم و مقصود، منشاء این همسان‌انگاری است.

۲- جایگاه نماز در آیین زرتشت

ایران باستان در شکل‌گیری تمدن و فرهنگ بشری نقش بسزایی ایفا کرده است و در این دوره از حیات فرهنگی اجتماع بشری، آیین زرتشت تأثیرگذار و بانفوذ بوده است. شریعت این پیغمبر ایرانی، بر طریقه یگانه‌پرستی و آیین اخلاقی «پندار نیک، کردار نیک و گفتار نیک» استوار است (ر.ک؛ بیناس، ۱۳۵۴: ۴۵۶). زبان آن، اوستایی است که از زبان‌های مهم ایران باستان به‌شمار می‌آید (ر.ک؛ زرشناس، ۱۳۳۰). کتاب مقدس و آسمانی دین زرتشتیان / اوستا است... و مهم‌ترین قسمت اوستای موجود در زمان ما، یسنا می‌باشد که مشتمل بر گات‌ها، یعنی سرودهای خاص زردشت است (ر.ک؛ بیناس،

۱۳۵۴: ۴۵۰). از احوال زرتشت، آنچه از اشارات او مستفاد می‌شود، هر چند سیمای او را چنان که باید، متمایز نمی‌دارد، با اسن حال، برخی ابهام‌ها را در باب وی می‌تواند رفع نماید؛ از جمله اینکه از گفتهٔ خود وی چنین برمی‌آید که زرتشت در بین قوم خود، همچون کاهنی سرودپرداز تلقی شده است و همانند پدران خویش، به پرورش دام اشتغال داشته است و بعد از القای وحی برای نشر و تعلیم دعوت خویش، ناچار شده است خانمان و دیار خود را ترک نماید و به سرزمینی دورتر سفر کند (ر.ک؛ زرین کوب، ۱۳۷۵: ۷۰).

در این آیین تأثیرگذار، نماز به عنوان عمل عبادی حائز اهمیت، پُل ارتباطی بنده و اهورامزدا می‌باشد که با تضرع و استعانت، و گاهی نیز با کشف و شهود روشن و آرام درونی، مستمر و دورتر از اقلیم محسوسات همراه است. نیایش نماز در آیین زرتشت، پرواز روح به سوی اهورامزداست که نمودار کوشش فرد برای ارتباط با آن وجود نامرئی، یعنی آفریدگار همهٔ هستی است (ر.ک؛ حسین زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۹). در آیین زرتشت، پرورش چهار ابزار شناسایی، یعنی خرد، وجدان، جان و فره، امری الزامی است که تنها در سایهٔ آموزش و شناخت به دست نمی‌آید، بلکه باید با نیروی عمل و تربیت عملی نیز به این کار اهتمام ورزید. در همین راستاست که عمل عبادی نماز، یکی از راه‌های عملی پرورش این ابزارها به شمار می‌رود (ر.ک؛ حسینی دهشیری و اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۲۷-۱۴۶). درگات‌ها، بر تواضع و فروتنی در نماز تأکید شده، چنین آمده است: «باید در ستایش‌های او حالت تواضع و خشوع را رعایت کرد» (هات، ۲۸؛ بند ۱۰). یکی از آیین‌های عبادی آیین زرتشت که اهمیت زیادی دارد، آیین «سدره‌پوشی» است که با انجام آن، دختر و پسر زرتشتی شناخته می‌شوند. این آیین هنگام رسیدن به بلوغ انجام می‌پذیرد که با انجام آن پسر یا دختر به صورت رسمی به انجام مراسم عبادی می‌پردازند. انجام این آیین با نماز گزاردن همراه است که یکی از آداب مهم عبادی زرتشتیان به شمار می‌آید و بنا به سنت، پنج بار در روز انجام می‌شود:

«نماز گاهِ هاون، یعنی بامدادان: از برآمدن خورشید تا نیمروز،... گاهِ رپتون،

یعنی نیمروز تا پسین...، گاهِ اُزیرن، یعنی پسین تا فرورفتن خورشید...، گاهِ

سروثرم، یعنی فرورفتن خورشید تا نیمه‌شب... و گاه اوشه‌ی نای...، یعنی نیمه‌شب تا برآمدن آفتاب» (فرهنگ‌مهر، ۱۳۸۰: ۱۹۵-۱۹۷).

در نیایش / اوستا چنین آمده است:

«از پی ستایش خلقت خرد مقدس، مزدا دست‌ها را برای یاری خواستن بلند نموده، پیش از همه چیز خواستارم ای اشا^۱ که وهومن^۲ و روان آفرینش را از خود خوشنود سازم» (اوستا، یسنای ۲۸).

گوش این نیایش حاکی از آن است که نماز یکی از شیوه‌های ستایش اهورامزداست که از یک سو، نمازگزار نیاز خود را به اهورامزدا درمی‌یابد و دست یاری به سوی او دراز کرده، از طریق دعا و نیایش از او استمداد می‌طلبد و از سوی دیگر، این عمل عبادی در راستای کسب رضایت و خشنودی او به جای آورده می‌شود. زرتشتیان در نیایشی دیگر چنین بیان می‌کنند:

«ای راستی! کی به تو خواهیم رسید؟! کی مانند دانایی از دیدن منش پاک خوشنود خواهیم شد و از نگریستن بارگاه اهورای بزرگ و جلال مزدا؟! امیدوارم که با زبان خویش این آیین راهزنان را به سوی آن کسی که بزرگتر از همه است، هدایت کنم» (همان: بند ۵).

از این متن ستایش فهمیده می‌شود که از منظر زرتشتیان، نماز وسیله هدایت و راه‌یابی نمازگزار، و موجب تقرب و نزدیکی جستن به بارگاه اهورامزداست.

زرتشتیان در فرازی دیگر از نیایش خود چنین می‌سرایند:

«تو ای بهتر از همه و بهترین راستی! هم‌اراده برای یل نامور، فرشوستر^۳ و خود من برای کسی که اراده تو در آن باشد، نیک‌تر چیز را که نعمت پاک‌مستی جاودانی است، از تو تمنا دارم» (همان: بند ۸).

ملاحظه می‌شود که طبق این عبارت، در قاموس پیروان زرتشت، اهورامزدا مرکز راستی و درستی به شمار می‌آید و رازهای جاودانگی در دست اوست. از این رو، نمازگزار تلاش می‌کند با نیایش خود، توجه اهورامزدا را به خود جلب نماید و از این

طریق، درخواست و حاجت خود را در نزد او بازگو کند تا اهورامزدا آن را برآورده سازد.

در فرازی دیگر، زرتشتیان به شکرگزاری در برابر نعمت‌های بی‌پایان اهورامزدا می‌پردازند و می‌گویند:

«از بی‌شکرانهٔ بخشایش تو ای اهورامزدا و ای راستی و ای منش پاک،
هماره در کوششم که مورد غضب واقع نشوم. سرودهای ستایش خود را نیازت
می‌کنم، ای کسی که آرزوهای ما از تو برآورده و امید بهشت ما به سوی
توست» (یسنا۱: ۲۸؛ بند ۹).

از این رو، در آیین مزدیسنی، نماز زمینه‌ای برای سپاسگزاری و شکرگزاری در برابر بخشایش بی‌کران نعمت‌های اهورامزدا بر بندگان است. پرستش اهورامزدا جلوه‌های گوناگونی دارد که بارزترین آن، گزاردن نماز به پیشگاه اوست. به عقیدهٔ زرتشتیان، به جای آوردن نماز، یاد اهورامزدا و عمل به دستورهای دینی، مانند راستی، سازندگی، کار و کوشش، در واقع، نیل به اندیشه، گفتار و کردار نیک است؛ زیرا زرتشتی بودن به کردار است، نه به گفتار (ر.ک؛ فرهنگ مهر، ۱۳۷۴: ۱۹۵). حکیم فردوسی نماز را از آیین‌های دیرین ایرانیان به شمار آورده است که مبتنی بر باورهای دینی خود به جای می‌آوردند و در رفتار و کردارشان اثرگذار بود (ر.ک؛ فردوسی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۷).^۴

رویکردی که در اندیشهٔ زرتشتیان نسبت به نماز ملاحظه می‌شود، حاکی از این است که نماز، تضمین بقای آیین زرتشت است؛ بدین معنی که زرتشت با تکلیف نمازهای پنجگانه، یک نظام عبادی پدید آورد که دین او را نیرویی شگرف داد و بقای آن را در طول هزاره‌ها تضمین کرد؛ زیرا این اعمال دینی، زردشتیان را پیوسته متذکر آموزه‌های اصلی دین آنان نگاه می‌داشت و آنها را در ذهن عوام و نیز در ذهن فرهیختگان تثبیت می‌کرد. به علاوه، این اعمال با ایجاد حس همبستگی نیرومند در آحاد زرتشتیان، جامعه را منظم و مستقل می‌ساخت (ر.ک؛ بویس، ۱۳۸۱: ۵۹).

بسیاری از پیروان زرتشت، نماز و نیایش را برای نیل به مدینه فاضله می‌دانند و جایگاه آن را با توجه به متن *اوستا* چنین تفسیر می‌کنند که ستایش، خواهش و تضرع در برابر ایزد (مزدا) برای برآورده شدن حاجات و احتیاج‌های آدمیان و برای رسیدن به همان مدینه فاضله‌ای است که در آن، همه خوبی‌ها و همه پاکی‌ها موجود است و آرزوی دیرینه بشر، همواره رسیدن به آن بهشت دنیایی بوده است (ر.ک؛ حسین‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۰). این رویکرد به نماز از چنان استحکامی در اندیشه زرتشتیان برخوردار است که می‌توان گفت برای نماز، جایگاهی اعجاز‌آفرین همراه با تأثیرهای شگرف قائل هستند. با مطالعه‌ای مختصر، روشن می‌شود که زرتشتیان از جمله‌هایی ساده و همه‌فهم، برای طلب خیر، مغفرت و سلامت که در آغاز وجود داشته، دعاها و نمازهایی با اثرات معجزه‌آسا ساخته‌اند (ر.ک؛ رضی، ۱۳۵۰: ۱۳۲).

۳- جایگاه نماز در اسلام

در اسلام، نماز بالاترین عبادت فراگیر در گستره جهان آفرینش است که همه کهنکشان‌ها، ستارگان، ماه و خورشید، کوه‌ها، دریاها، درختان و رویدنی‌ها، و موجودات زنده و جاندار در حال نماز و نیایش پروردگار هستند و وظایف خود و تکالیف محوله به خود را انجام می‌دهند (ر.ک؛ الرعد/ ۱۵ و الفصّلت/ ۱۱). هر یک از این آفریدگان الهی، راه و رسم عبادت، نماز و نیایش خود را می‌دانند و آن راه و روشی را که اراده پروردگار و دست آفرینش برای آنان مقرر و مقرر فرموده است، می‌شناسند و آن را به انجام می‌رسانند (ر.ک؛ النور/ ۴۱) و تسبیح خداوند می‌گویند (ر.ک؛ الحج/ ۱۸). اما نماز برای انسان‌ها، عملی اختیاری است که مایه سعادت و حیات عالم آخرت و سرچشمه کمالات و رأس‌المال زندگانی آن نشئه است و سعادت عالم آخرت در ظل یک نماز خالص و کامل قابل حصول است که هر مسلمانی پنج نوبت یعنی صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء این عمل عبادی را اقامه می‌کند (ر.ک؛ موسوی خمینی^(ه)، ۱۳۶۸: ۲۴-۲۵). خداوند متعال نماز را به عنوان نخستین پرستش و عبادت برای اهل تقوی واجب نموده است و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ:

کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می کنند ﴿البقره/۳﴾.

در این آیه اقامه نماز در کنار ایمان به غیب و انفاق از آنچه خدای سبحان روزی کرده است، از اوصاف پارسایان به شمار می آید که البته چنین کسانی بر طریق هدایت الهی و موصوف به آن هستند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۷۲). از این رو، پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «أَوَّلُ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِي، الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ وَأَوَّلُ مَا يُرْفَعُ مِنْ أَعْمَالِهِمْ، الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ وَأَوَّلُ مَا يُسْأَلُونَ عَنْهُ، الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ: نخستین چیزی که خدا بر امتم واجب کرد، پنج نماز است، نخستین چیزی که از اعمال آنها بالا برده می شود، پنج نماز است و نخستین چیزی که از آن سؤال شوند، پنج نماز است» (متقی الهندی، ۱۸۸۵م: ۷).

حوزه اهمیت نماز در قرآن تا آنجاست که این فریضه، پالایش کننده نمازگزار از پلیدی‌ها و زشتی‌هاست: ﴿أَنْلُ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ: آنچه را از کتاب به تو وحی شده، تلاوت کن، و نماز را برپا دار که نماز از زشتی‌ها و گناه بازمی دارد و یاد خدا بزرگتر است؛ و خداوند می داند که شما چه کارهایی انجام می دهید! ﴿العنکبوت / ۴۵﴾.

در فرهنگ و ادبیات قرآن، نماز ریشه و بنیان هدایت، و گویا عین هدایت است. دل بی نماز جایگاه کبر و غرور، و جان بی نماز، ترا کمی از ظلمت‌ها و پستی‌هاست و اهرم استعانت در غم‌ها و مشکلات به شمار می آید. لذا خداوند در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ: از صبر و نماز یاری جوید و این کار، جز برای خاشعان، گران است ﴿البقره/۴۵﴾.

قرآن فریضه نماز را یک اصل لایتغیر و بدون عوض می داند و آن را امری ثابت و ساقط‌نشدنی معرفی می کند که انجام آن بر همه ایمان‌آوردگان واجب است. لذا

می‌فرماید: ﴿فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ و هنگامی که نماز را به پایان رساندید، خدا را یاد کنید، ایستاده و نشسته و در حالی که به پهلو خوابیده‌اید! و هرگاه آرامش یافتید (و حالت ترس زایل گشت)، نماز را (به طور معمول) انجام دهید؛ زیرا نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است! ﴿النساء/۱۰۳﴾.

کتابت نماز کنایه از واجب بودن و واجب کردن است و زمان‌دار بودن آن، کنایه از ثبات و عدم تغییر نماز است؛ به این معنا که نماز فریضه‌ای لایتغیر و ثابت است. بنابراین، اطلاق «موقوت» بر کلمه «کتاب»، اطلاق ملزوم بر لازمه چیزی است و مراد از «کتاب موقوت»، کتابی مفروض، ثابت و غیرمتغیر است که دگرگونی نمی‌پذیرد و در هیچ حالی ساقط نمی‌شود (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۱۰۱).

این گونه آیات که در قرآن فراوان آمده، حاکی از اهمیت و جایگاه والای نماز در شریعت اسلام است. از آنجا که قرآن بر اهمیت و ضرورت اقامه نماز و آثار فردی و اجتماعی آن بسیار تأکید کرده، اما به تبیین تفصیلی احکام آن پرداخته است، تبیین احکام و تفصیل آنها را بر عهده پیامبر اسلام^(ص) گذاشته است و می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (النحل / ۴۴).

پیامبر اکرم^(ص) نخستین تبیین‌کننده احکام نماز است که برحسب روایات، جبرئیل از آغاز بعثت، وضو و نماز را به پیامبر اکرم^(ص) آموخته بود و حضرت خدیجه^(س) و امام علی^(ع) بن ابی طالب^(ع) با ایشان نماز می‌خواندند و در نماز ایشان، عمل رکوع و سجود انجام می‌شده است.

آن حضرت نخستین عبادت مفروض را نماز معرفی می‌کند و می‌فرماید: «أَوَّلُ مَا فُرِضَ عَلَى الْعِبَادِ الصَّلَاةُ وَ اخِذْ مَا يَبْقَى عِنْدَ الْمَوْتِ الصَّلَاةُ وَ أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ فَمَنْ أَحَابَ فَقَدْ سَهَّلَ مَا بَعْدَهُ وَ مَنْ كَمَّ يُجِبُ فَقَدْ اشْتَدَّ مَا بَعْدَهُ: نخستین پرستشی که بر بندگان واجب شد، نماز است، آخرین عملی که تا هنگام مرگ برقرار

است، نماز می‌باشد و اولین چیزی که روز قیامت از آن پیرسند، نماز است. پس هر کس به خوبی جواب گوید و پاسخش را بپذیرند، در حسابرسی‌های پس از نمازش آسان گیرند و آن که پاسخ نیکو ندهد، در اعمال دیگرش به سختی حساب کشند» (ترمذی، بی‌تا: ۱۸۸).

این روایات حاکی از آن است که پیش از نماز هیچ عملی پا به عرصه تشریح و وجوب نهاده است. پیامبر اسلام^(ص) از نماز تعبیر به ستون دین نموده، می‌فرماید: «وَهِيَ عَمُودُ دِينِكُمْ» (محدث نوری، ۱۳۸۲ق، ج ۱: ۱۷۲).

روایاتی در کتب شیعه و سنی آمده که نشان می‌دهد حضرت علی و امام حسن و امام حسین و امام سجّاد - علیهم السّلام - در یک شبانه‌روز هزار رکعت نماز خوانده‌اند (ر.ک؛ امینی، بی‌تا، ج ۵: ۲۵).

علی^(ع) می‌فرماید: «الصَّلَاةُ تَنْزِيهَا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ: نماز انسان را از کبر منزّه می‌کند» (نهج البلاغه / ح ۲۵۲).

نماز، محبوب‌ترین کار در پیشگاه خداوند متعال است و در بین اعمالی که نزد خدا محبوب است، نخستین رتبه را دارد. پیامبر اسلام^(ص) در این باره فرموده‌اند: «إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ - الصَّلَاةُ وَالْبِرُّ وَالْجِهَادُ: همانا محبوب‌ترین کارها نزد خدای چیره و والا، نماز و نیکوکاری و جنگیدن برای اوست» (صدوق، ۱۳۶۲ق، ج ۱: ۱۲۲).

در سیره امام حسین^(ع) آمده که در عصر تاسوعا، از دشمن مهلت خواست و انگیزه مهلت‌خواهی را چنین بیان فرمود:

«فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي قَدْ كُنْتُ أَحِبُّ الصَّلَاةَ: خداوند می‌داند من نماز را دوست دارم» (طبری، بی‌تا، ج ۳: ۳۱۴ و مفید، بی‌تا: ۲۳۰). امام صادق^(ع) می‌فرماید: «أَنْظُرُ إِذَا قُمْتُ إِلَيَّ اللَّهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ أَبْعَدُ مَا يَكُونُ مِنَ الْإِنْسَانِ إِذَا قَامَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ: آنگاه که برای خدا به درگاه خدا بایستی، به‌دقت بنگر که شیطان هیچ‌گاه از انسان دورتر از زمانی نیست که به نماز می‌ایستد» (صدوق، ۱۳۶۳ق، ج ۲: ۲۸ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۰: ۱۴). در حدیث

دیگری از رسول خدا (ص) آمده است که می‌فرماید: «لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ يَرْغَبُ مِنْ بَنِي آدَمَ، مَا حَافِظًا عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ. فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّى عَلَيْهِ وَ أَوْقَعَهُ فِي الْأَعْظَامِ: تا زمانی که فرزندان آدم بر نمازهای پنجگانه موظبت دارند، شیطان پیوسته از آنان دور می‌شود. پس آنگاه که آنها را تبه گردانند، جرأت و جسارت آن بر آنان زیاد می‌گردد و آنان را به گناهان بزرگ می‌اندازد» (سیوطی، بی‌تا، ج ۶: ۷۱۴).

ابوبصیر از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «صَلَاةٌ فَرِيضَةٌ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِينَ حَجَّةً حَجَّةً خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ ذَهَبًا يُتَصَدَّقُ مِنْهُ حَتَّى يُغْنَى: به جای آوردن نماز واجب بهتر از گزاردن بیست حج است و یک حج بهتر است، از بیست خانه انباشته از زر که از آن اندک‌اندک در راه خدا دهند تا تمام شود» (حرّ عاملی، ۱۳۹۱ق.، ج ۲: ۲۶).

بنابراین، در اسلام نماز جایگاه مخصوص و رفیعی دارد، آن‌چنان که از آیات و روایات مرتبط با نماز برمی‌آید، این فریضه در اسلام با تمام شرایط ظاهری و باطنی در رأس تمام فعالیت‌های عملی و عبادی مردم مؤمن است.

۴- اشتراکات نماز در اسلام و زرتشت

۴-۱) حقیقت نماز

بر اساس تعالیم این دو شریعت، نماز علاوه بر پیکره ظاهری، حقیقتی باطنی نیز دارد که مقبولیت و پذیرش آن از سوی خداوند، منوط به درک باطن نماز از سوی نمازگزار است. زرتشتیان معتقدند که برای درک باطن نماز، باید صفحه دل را از هر گونه پلیدی، خشم و صفات رذیله تطهیر نمایند و طهارت درونی را از آداب باطنی نماز می‌دانند. پاکی درونی همان باور قلبی و ایمان به اندیشه و گفتار و کردار نیک است که پایه‌های آموزش‌های آشو زرتشت است و یک نمازگزار زرتشتی باید وجود خود را با این سه ویژگی آراسته نماید و راستی و درستی را در اندیشه، گفتار و کردار خود به کار برد و از انجام عمل بد و ناروا امتناع ورزد (ر.ک؛ رضی، ۱۳۸۹: ۱۰۹؛ حسین‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۷). همین رویکرد را مسلمانان نسبت به قبولی نماز دارند. از منظر اسلام، چون حقیقت نماز

عروج به مقام قرب الی الله و وصول به مقام حضور در محضر خداوند جلّ و علاست، برای رسیدن به این مقصد والا، علاوه بر طهارت ظاهری، طهارت باطنی، یعنی پاکی درون لازم است (ر.ک؛ موسوی خمینی^(ره)، ۱۳۷۲: ۵۶). از نظر پیروان اسلام، نمازی که با طهارت درون همراه نباشد و آداب باطنی آن مراعات نشود، بی روح و عقیم می ماند. مسلمانان رعایت آداب باطنی نماز را حتی بر آداب ظاهری صلاة مقدم می انگارند و از نظر آنها آداب باطنی نماز با روح و حقیقت نماز ارتباط دارد (ر.ک؛ حائری پور، ۱۳۹۲: ۱۶).

۲-۵) نماز، ارتباطی اثربخش

در آیین زرتشت و در احکام شریعت اسلام، نماز یک مسیر ضروری و اثربخش برای ارتباط بین انسان با آفریدگار هستی است. در فرازی از نماز زرتشتیان چنین آمده است: «از پی ستایش خرد مقدّس، مزدا دست‌ها را برای یاری خواستن بلند نموده» (اوستا، یسنای ۲۸: بند ۱).

همچنین، بر اساس تعالیم اسلام، نیت که امری قلبی است و تداوم آن در طول نماز ضروری است، یکی از ارکان نماز به شمار می آید. نماز گزار نیت می کند که نماز را از ابتدا تا انتها به قصد قربت و نزدیکی به خداوند و امتثال فرمان او اقامه کند (موسوی خمینی^(ره)، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۵۶).

۳-۵) تضرّع در نماز

نماز گزار زرتشتی همانند نماز گزار مسلمان در نماز با تضرّع از خداوند استمداد می جوید و از او می خواهد که وی را در زندگی مورد حمایت قرار دهد. زرتشتیان در نیایش خود چنین می گویند: «چه کسی مرا ای مزدا، پاسبانی می کند، هنگامی که دروغکار به من کینه می ورزد» (شهمردان ایران شهمردان، ۱۳۸۲: سروش باج). در فرازی دیگر چنین آمده: «در هنگام گذر از پُل بزرگ چینود (گزینش، صراط) ما را به سبکی و

خرمی، با شادی و آسانی گذر بده، ای اورمزد!... به خرّمی همیشگی ما را برسان، ای اورمزد بخشاینده!» (همان).

نماز گزار مسلمان که در شبانه‌روز حداقل ۱۷ رکعت نماز واجب اقامه می‌کند، در قرائت نماز، خداوند را با حال تضرّع چنین خطاب می‌کند: «تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوئیم. ما را به راه راست هدایت بفرما» (الفاتحه/ ۶-۵).

ملاحظه می‌شود که محور این ارتباط در نماز زرتشتیان و مسلمانان، درخواست‌های همراه با تضرّع و خشوع است.

۵-۴) نوبت‌های پنجگانه نماز

زرتشتیان نماز را در هر شبانه‌روز پنج نوبت برگزار می‌کنند، هم‌چنان که مسلمانان در شبانه‌روز پنج نوبت اقامه نماز می‌کنند. از نظر ایرانیان، پیش از زردشت، سه گاه روز، یعنی بامداد، نیمروز و شامگاه، برای نماز و عبادت اهمیت داشت. آنان این سه گاه روز را به دو بخش تقسیم می‌کردند: یکی صبحگاه یا «هاونی» که تحت حمایت «میثره» بود و دیگری، بعد از ظهر یا اوزیره که تحت حمایت اهوره برادر وی، یعنی «اپام نپات» قرار داشت. شب، سومین بخش را تشکیل می‌داد که آن را «اویسروثره» می‌نامیدند و این بخش از آن فروشی‌ها یا همان روان‌های مردگان بود. در ظاهر، زردشت دو بخش دیگر هم در شبانه‌روز قرار داد و پیروانش را ملزم کرد که طبق آن، پنج بار در روز نماز بخوانند. از این رو، زردشت هم بخش‌های روز و هم فصل‌های سال را به کار گرفت تا آموزه‌های بنیادین خود را در ذهن پیروانش به‌خوبی تثبیت کند (ر.ک؛ بویس، ۱۳۸۱: ۵۷). اسامی و اوقات این نمازهای پنجگانه بدین ترتیب است:

۱- هاوَن گاه (نماز گاهِ هاوَن یا هاوَنی): از سر زدن خورشید تا نیمروز.

۲- رَپیتوین گاه (نماز گاهِ رپیتون): از نیمروز تا پسین (عصر).

۳- اُزیرینگاه (نماز گاهِ اُزیرن): از پسین تا فرورفتن خورشید (شامگاه).

۴- اویسروثریم گاه (نماز گاهِ اویسروثرم): از شامگاه تا نیمه‌شب.

۵- اُشْهین گاه (نماز گاه اوشهن): از نیمه شب تا هنگام برخاستن خورشید (ر.ک؛ دوستخواه، ۱۳۴۳: ۳۳۶).

در تعالیم زرتشت، نام پنج هنگام نمازهای یومیّه و شبانه روز از نام فرشتگانی که نگاهبان و پاسدار این هنگامها هستند، گرفته شده است (ر.ک؛ همان: ۳۳۷).

در اسلام نمازهای واجب شامل پنج نماز است که نمازهای یومیّه (روزانه) فراگیرترین نمازها به شمار می آید. نمازهای واجب یومیّه که خواندن آن هر روز برای هر مسلمانی تکرار می شود عبارت است از: نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء.

۱- **نماز صبح:** دو رکعت است و وقت آن از اوّل طلوع فجر صادق است تا طلوع آفتاب و فجر صادق همان سپیده صبح است که در افق پهن می شود.

۲- **نماز ظهر:** چهار رکعت است که وقت آن از اوّل ظهر است تا موقعی که به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد.

۳- **نماز عصر:** این نماز نیز همچون نماز ظهر چهار رکعت است که وقت آن پس از اذان ظهر به اندازه خواندن چهار رکعت تا موقعی که به اندازه خواندن یک نماز به غروب آفتاب باقی مانده باشد.

۴- **نماز مغرب:** این نماز سه رکعتی بوده است و مغرب موقعی است که قرص آفتاب در افق پنهان شود و وقت مخصوص نماز مغرب از اوّل مغرب است.

۵- **نماز عشاء:** این نماز، چهار رکعت است و وقت مخصوص نماز عشاء، موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشاء به نصف شب باقی مانده باشد (ر.ک؛ موسوی خمینی^(ه)، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۴۷ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۳۳).

۵-۵) نماز، جلوه شکرگزاری انسان در برابر معبود

در آیین زرتشت و اسلام، نماز نوعی شکرگزاری در برابر نعمت‌هایی است که خداوند بر بندگان ارزانی داشته است. در آیین زرتشت، خداوند این چنین ستایش شده است:

«ستایش و نیایش می‌کنم آن خدای نیکوکاری را که از تمام آفریدگان گیتی، مردمان را برتر آفرید، به نیروی نطق و ادراک، و داد به او شهریاری مخلوقات و نگهداری آفریدگان برای رزم و روبه‌روشدن و پیکار با دیوان» (شهمردان بن شهمردان، خرده‌وستا: ستایش یکتاخداوند).

این گویش، حاکی از این است که فرد زرتشتی در برابر نعمت‌هایی که خداوند به او و جهانیان عطا کرده است، نماز می‌گزارد.

در اسلام هم بر کارکرد شکرگزارانه نماز تأکید شده است. از این رو، خداوند به پیامبر اسلام (ص) یادآوری می‌کند که در برابر نعمت خاصی که به تو داده‌ایم، نماز بگذار و به شکرانه عطایای ما، برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن: ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ: پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن﴾ (الکوثر / ۲).

از ظاهر سیاق و ظاهر اینکه حرف «فاء» بر سر این جمله درآمده است، استفاده می‌شود که امر به نماز و نحر شتر که متفرع بر جمله ﴿إِنَّا أُعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ﴾ شده، از باب شکر نعمت است و چنین معنا می‌دهد: «حال که ما بر تو منت نهادیم و خیر کثیرت دادیم، این نعمت بزرگ را با نماز و نحر شکرگزاری کن (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۶۶، ج ۲۰: ۶۳۹). ملاحظه می‌شود که یکی از کارکردهای حائز اهمیت نماز در دستگاه دینی زرتشت و اسلام، شکرگزاری متدینان از آفریدگاری است که نعمت‌های بی‌شماری را به آنها ارزانی داشته است.

۶۵) نماز، عامل طهارت روح

از منظر اسلام و زرتشت، نماز سبب طهارت نفس و پاکی روح از آلودگی‌های اخلاقی می‌شود. بر اساس تعالیم زرتشت، نماز باعث پاکی اخلاق در نماز گزار می‌شود و حصار محکمی برای اوست تا اهریمن بر زرتشتی و شیطان بر مسلمان مستولی نشود:

«فرد نماز گزار در آیین زرتشت باید از صمیم قلب و با دلی دور از هر گونه خشم، کینه و پلیدی نماز خویش را به جای آورد؛ زیرا پاکی و آشویی درونی از بی‌آلایشی خداوندی سرچشمه می‌گیرد» (بهی، ۱۳۹۰: ۱۳).

«نیست شوای دیو دروج! نیست شوای دیونزادا! نیست شوای فرا کرده دیو!... نماز به آرمیتی (فروتنی) و غیرت ایمان...» (شهمردان بن شهمردان، خرده/وستا: سروش باج).

همین رویکرد درباره آثار نماز در اسلام نیز وجود دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «... نماز را برپا دارید. به راستی که نماز از زشتی‌ها و منکرات بازمی‌دارد» (العنکبوت/۴۵). همچنین، در فرازی دیگر می‌فرماید: «مسلماً کسی رستگار می‌شود که خود را تزکیه کند و نام پروردگارش را به یاد آورد و نماز بخواند» (الأعلى / ۱۴-۱۵). نیز در روایتی از امیرالمؤمنین علی^(ع) آمده است: «نماز انسان را از کبر منزّه می‌کند» (نهج البلاغه / ح ۲۵۲). امام صادق^(ع) می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ، فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ فَيَقْدِرِ مَا ضَعَعَتْهُ قُبِلَتْ مِنْهُ: هر کس دوست دارد بداند نمازش پذیرفته شده است یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه بازداشته یا نه. پس به هر اندازه که نماز او را از گناه بازداشته است، به همان مقدار نمازش پذیرفته می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۲: ۱۹۸).

۶- تمایزات نماز میان زرتشت و اسلام

۶-۱) جایگزین نداشتن نماز در اسلام و امکان جایگزینی در زرتشت

یکی از افتراق‌های میان اسلام و زرتشت از حیث اقسام نماز و احکام آن، اصل ثابت بودن و لایتغیر بودن نمازهای واجب در میان مسلمانان (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۱۰۱) و جایگزین نشدن چیزی غیر از نماز برای نماز قضاست. در اسلام، نمازی که در وقت معین خود ادا نگردد، باید به تیت قضا اقامه شود. این در حالی است که در آیین زرتشت، اگر کسی یارای خواندن نیایش و نمازها را نداشته باشد، برای جبران دو نماز کوتاه اشم و هُو ویتا اهو را می‌خواند و اگر کسی نمازهای پنجگانه را نداند و نخواند، باید به جای آنها ۶۵ بار یتا اهو و ۱۰۱ بار اشم و هُو را بگوید (بهی، ۱۳۹۰: ۲۵). چنین رویکردی در اسلام به مسئله نماز، به دلیل آن است که اسلام، نماز را محور عبادت‌های ایمان‌آوردگان قرار داده است. این جایگاه تا حدی است که چنان‌چه ایمان‌آوردگان در عرصه اجتماع به قدرت و حاکمیت سیاسی دست یابند، برای ایجاد جامعه‌ای صالح، مهم‌ترین مسئولیت ایشان، اقامه نماز در جامعه است: ﴿الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ

أَقَامُوا الصَّلَاةَ... همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند... ﴿(الحج / ۴۱).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در اسلام، ارتباط دوسویه میان خدا و انسان، از طریق نماز جایگزین ندارد، لیکن در آیین زرتشت، امکان جایگزینی وجود دارد.

۶-۲) نداشتن انقطاع نماز در اسلام و امکان انقطاع در زرتشت

در اسلام، نماز واجب، به‌ویژه نمازهای یومیّه، به هیچ عنوان و تحت تأثیر هیچ عاملی ضایع نمی‌گردد، حتی در بستر بیماری و یا در مسافرت. فصول سال و تغییر زمان روز و شب (کوتاهی و بلندی شبانه‌روز) آن‌چنان که در زمستان و تابستان رخ می‌دهد، کوچکترین خللی در زمان اجرای نمازهای واجب پنجگانه ندارد که این نیز به جایگاه

خاصّ فریضه نماز در اسلام بازمی‌گردد. این در حالی است که میان زرتشتیان این ثبات و ضرورت دیده نمی‌شود، چنان‌که نماز گاهِ رپیتون که یکی از نمازهای پنجگانه زرتشت محسوب می‌شود، از اوّل آبان تا آخر اسفندماه به علّت کوتاه شدن روزها، حذف می‌گردد و طیّ این پنج ماه، در چهارگاهِ باقی مانده، نماز به جای آورده می‌شود (ر.ک؛ همان: ۲۲). بنابراین، در آیین زرتشت، امکان انقطاع نماز وجود دارد، لیکن در اسلام، نماز منقطع نمی‌گردد.

۳-۶) شخصی بودن نماز در اسلام و امکان نیابت در نماز زرتشتیان

در اسلام، هر مسلمانی موظّف است شخصاً فریضه نماز را انجام دهد و تا زمان حیات وی، این تکلیف از او ساقط نمی‌شود و دیگری نمی‌تواند به نیابت از شخص برایش نماز بگذارد، حال آنکه در آیین زرتشت، این ایجاب وجود ندارد و برخی از فرایض پنجگانه را به طور معمول، موبدان (روحانیان زرتشتی) به جای می‌آورند. آن دسته از نمازهایی که از سوی موبدان انجام می‌گیرد. در حقیقت، نوعی نماز نیابتی به شمار می‌آید که آنها به جای دیگران هم به جا می‌آورند؛ در نتیجه دیگر زرتشتیان از انجام این دسته از نمازها معاف هستند. به همین لحاظ، اکثر زرتشتیان، از میان نمازهای پنجگانه، به خواندن ادعیه در صبحگاه و شامگاه اکتفا می‌کنند (ر.ک؛ غمخوار یزدی، ۱۳۷۹: ۱۲ و رضایی، ج ۳: ۲۹۸).

این رویکرد در اسلام، حاکی از آن است که نماز سبب تقویت روحی و اصلاح رفتاری انسان می‌شود؛ لذا هر فردی باید خودش نماز بگذارد و به طور مستمرّ و پیوسته آن را انجام دهد تا از اثرات معنوی آن برخوردار شود و موجبات تقویت روحی او فراهم آید؛ چه اینکه نماز، بستر مناسبی برای ایجاد روحیه مقاومت و پایداری در برابر مشکلات و سختی‌های پیش رو به شمار می‌آید: ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾ از شکیبایی و نماز یاری جوید ﴿البقره/ ۴۵﴾. اما در زرتشت، هرچند نماز به عنوان عبادتی مهم مطرح است، لیکن اهمیّت آن برای یک زرتشتی در سطح اهمیّت نماز برای یک مسلمان نیست.

۶-۴) کثرت نمازها در اسلام و محدودیت نمازها در زرتشت

از تمایزهای موجود در امر نماز، کثرت و تعدد نمازهای تشریح شده در اسلام (چه واجب و چه مستحب است) نسبت به آیین زرتشت است، به گونه‌ای که افزون بر ۳۵۰ نماز در اسلام وجود دارد که با عناوین مختلف ادا می‌شود (ر.ک؛ عزیزی، ۱۳۸۲: ۱۵)، در حالی که تعداد نمازهای زرتشتیان، اعم از فردی و گروهی به بیش از ۸۰ نماز تجاوز نمی‌کند. این تمایز خود حاکی از این است که اسلام می‌خواهد شرایطی ایجاد کند که یک ایمان‌آورنده، به مناسبت‌های مختلف به نماز بایستد و در برابر پروردگار خود گُرش نماید؛ چراکه این ارتباط دوسویه، سبب ایجاد نشاط در وضعیت شخصی و همین‌طور، عملکرد اجتماعی ایمان‌آوردگان خواهد شد. ساری بودن نماز در زوایای مختلف زندگی یک مسلمان، نشان‌دهنده این امر است که گویا نماز، منشاء حیات و تداوم ایمان یک مسلمان به شمار می‌آید.

۶-۵) تفاوت در جهت قبله

هرچند زرتشتیان و مسلمانان هر دو قبله‌ای دارند که رو به آن نماز می‌گزارند، اما جهت قبله آنها با یکدیگر متفاوت است. جهت قبله زرتشتیان، نور و روشنایی است که رو به سوی آن نماز می‌گزارند (ر.ک؛ خورشیدیان، ۱۳۸۷: ۴۰). در آیین زرتشت، ارزش نور و اهمیت آن از نظر زندگی و سلامتی موجودات زنده به قدری است که بدون وجود نور، موجود زنده‌فعلی در جهان نخواهد بود، چون زرتشتیان همیشه به داده‌های نیک اهورامزدا احترام می‌گذارند. از این نظر، هنگام نماز روی به بهترین داده خداوند، یعنی نور نموده است و با احترام به آن، در واقع، اهورامزدا را که آفریننده چنین داده نیکی است، پرستش می‌کنند (ر.ک؛ منوچهرپور، ۱۳۹۰: ۴۹). در آیین زرتشت، هنگام نماز خواندن به سوی نور، از قبیل آفتاب، ماه، چراغ، آتش توجه می‌کنند؛ زیرا معتقدند که نمی‌توان برای خدا حدود و جهتی در نظر گرفت. از نظر آنها، فروغ و روشنایی ظاهری،

نموداری از نور و روشنایی عالم حقیقت و معنویت است و در طراوت روح اثری عظیم دارد و انسان را به تجلیات انوار الهی متوجه می‌سازد (ر.ک؛ حسین‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۸۴).

اما قبله مسلمانان، کعبه است که آن را به خداوند نسبت می‌دهند و به عنوان بیت‌الله رو به سوی آن نماز می‌گزارند. مسلمانان در هر جای عالم که هستند، هنگام پرستش خداوند متوجه کعبه می‌شوند و به سوی آن نماز می‌گزارند. از نظر مسلمانان، رو به کعبه بودن در نماز، امری واجب به شمار می‌آید (ر.ک؛ عطایی اصفهانی، ۱۳۸۵: ۵۰).

ملاحظه می‌شود که نماز در اسلام، جلوه‌ای وحدت‌بخش و اتحاد‌آفرین دارد و در لحظه برگزاری نماز، همه مسلمانان رو به یک جهت دارند و همگی به یک نقطه روی می‌کنند و نماز می‌گزارند. این وحدت‌نگری نماز در نمازگزاران زرتشتیان مشاهده نمی‌شود؛ چراکه هر گروهی در یک جهتی نماز می‌گزارند و از اتحاد در جهت‌گیری برای نمازگزاران برخوردار نیستند.

۶-۶ نقش محوری نماز در اسلام

زرتشتیان نماز را یک پُل ارتباطی میان خود و خدای خویش می‌دانند، اما به موازات آن راه‌های ارتباطی دیگری همچون دعا، نیایش و ستایش وجود دارد که از نظر اهمیت در یک سطح ارزیابی می‌شوند. بنابراین، در آیین زرتشت، هرچند نماز یکی از تکالیف عبادی حائز اهمیت است، اما از جایگاهی مانند برخی عبادت‌ها، مثل دعا و ذکر برخوردار است. این امر از مطالعه در ذکری بدست می‌آید که زردشت آن را به پیروانش آموخت تا جایگزین همه دعاها و عبادات باشد؛ همچنین برای آنها ذکر کوتاهی سرود که نزد زرتشتیان بسان دعای عشای ربّانی مسیحیان است. این ذکر، اَهُو نَوَیرِیه (و بعداً موسوم به اَهُو نَوَور) است. این نخستین ذکری است که به هر نوباوه زردشتی می‌آموزند و در صورت لزوم، می‌توان آن را به جای همه عبادات و دعاها به کار برد. این ذکر، طبیعتاً به گویش باستانی گاهانی است که خود پیامبر بدان سخن می‌گفت و پژوهشگران،

بحث‌های بسیاری بر سر معنای دقیق بیت‌های مقدّس آن داشته‌اند. روایت زیر، آمیزه‌ای از ترجمه‌های جدید آن است:

«او (اهورامزدا) هم سرور دلخواه است و هم داوری بر طبق اشه. اوست
کننده اعمال اندیشه نیک متعلّق به زندگانی. ملکوت از آن مزدا اهور است که او
را چونان شبان از بهر درویشان قرار داده‌اند (ر.ک؛ بویس، ۱۳۸۱: ۶۰).

اما از منظر اسلام، نماز عبادتی با جایگاه انحصاری به شمار می‌رود. قرآن می‌فرماید:
﴿...إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ (النساء/ ۱۰۳). گویش آیه به
گونه‌ای است که نماز را فریضه‌ای لایتغیر و ثابت منظور می‌کند. اطلاق «موقوت» بر کلمه
«کتاب»، اطلاق ملزوم بر لازمه چیزی است و مراد از «کتاب موقوت»، کتابی مفروض و
ثابت و غیرمتغیر است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۱۰۱). از این رو، پیامبر اسلام (ص)
نخستین عبادت مفروض را نماز معرفی کرده است: «أَوَّلُ مَا فُرِضَ عَلَى الْعِبَادِ الصَّلَاةُ» و در
فرازی دیگر فرمود: «أَوَّلُ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِي الصَّلَاةُ الْخَمْسُ». از این رو، هرچند
در اسلام فریضه‌های مهم دیگری نیز وجود دارد، اما هیچ فریضه‌ای هم‌پای نماز نیست. از
امام صادق (ع) روایت شده است: «به جای آوردن نماز واجب، بهتر از گزاردن بیست حج
است» (حرّ عاملی، ۱۳۹۱ق.، ج ۲: ۲۶).

ملاحظه می‌شود که نماز در اسلام، محور همه عبادت‌های دیگر به شمار می‌آید، تا
جایی که سایر عبادت‌ها در ذیل این عبادت خاص ارزش گذاری می‌شود. این در حالی
است که هرچند نماز در دین زرتشت حائز اهمیت است، لیکن در ردیف دیگر نیایش‌ها
و ادعیه، قابل ارزش گذاری است.

نتیجه‌گیری

اسلام و دین زرتشت نماز را وسیله‌ای ارتباطی برای اظهار عبودیت و بندگی میان
انسان و خداوند یگانه می‌دانند و وجوه بسیاری را به صورت مشترک در ماهیت، آداب،
آثار و خواص نماز قائل هستند. ویژگی‌هایی همچون شکرگزاری، حرکت به سوی

صعود و تکامل انسانی، پاکی روح و کسب فضایل اخلاقی از جمله ماهیت و آثار نماز است که در هر دو شریعت به آن توجه شده است. زرتشتیان و مسلمانان نماز را یک پُل ارتباطی میان خود و خدای خویش می‌دانند، اما در دین زرتشت، نماز همانند پُل ارتباطی است که به موازات آن، راه‌های ارتباطی دیگر نیز وجود دارد؛ مسیرهایی همچون دعا، نیایش و ستایش که ممکن است قبل یا بعد از نماز و یا حتی در اوقات دیگری که فاصله زمانی زیادی با وقت نماز دارد، خوانده شود. از این رو، از منظر زرتشتیان، نماز به همان اندازه اهمیت دارد که دیگر عبادات همچون دعا و نیایش مهم است. حال آنکه در اسلام، فریضه واجب صلاة، نه تنها جایگزینی ندارد و اصل آن، امری ثابت است، بلکه از نظر درجه اهمیت، در جایگاهی فراتر از دیگر عبادت‌ها قرار دارد. طبق آموزه‌های اسلام، هیچ عمل نیک و پسندیده‌ای و نیز هیچ عبادتی بدون قبولی نماز پذیرفته نمی‌شود. در اسلام برخلاف زرتشت، هیچ عبادتی هم‌ردیف نماز نیست، حتی فریضه واجب حج که آرزوی قلبی و اعتقادی برای هر مسلمان است، از نماز برتر نیست. به سبب چنین رویکردی است که در اسلام، نماز در هیچ شرایطی قطع نمی‌شود و جایگزین ندارد و انجام آن برای هر فردی واجب عینی به شمار می‌آید که لازم است هر کسی آن را به جای آورد. اما در دین زرتشت، امکان جایجایی و یا انقطاع وجود دارد. از این رو، هر چند در منابع و سروده‌ها و نیز نیایش‌های منسوب به زرتشت و زرتشتیان و آداب و تعالیم ایشان، نماز از اهمیت خاصی برخوردار است. اما در قیاس با اسلام، از آن جایگاه و اهتمام ویژه برخوردار نیست. آیات قرآن و روایات اهل بیت^(ع)، نماز را مرز بین ایمان و شرک معرفی می‌نمایند. در اسلام، نماز ستون دین معرفی می‌شود و بر وجوب انجام و ادای آن در اول وقت، دستورهای اُکید شده است. چنین جایگاه رفیع و عظیمی که اسلام برای نماز قائل است، در تعالیم زرتشت یافت نمی‌شود، هر چند نماز در آیین زرتشت بسیار حائز اهمیت است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- آشا در لغت به معنای پاک و مقدّس است که پیروان زرتشت در برخی از نیایش‌های خود، اهورامزدا را با این صفت می‌خوانند (ر.ک؛ اوشیدری، ۱۳۷۱: ۱۱۳).

۲- وهومن به معنی بهمن و منش نیکوست (ر.ک؛ همان: ۴۷۴).

۳- فروشتر از یاوران و گروندگان اولیة زرتشت و از اشراف زادگان ایرانی بود (ر.ک؛ همان: ۳۶۸).

۴-

«مر او را یکی پاک‌دستور بود	که رایش ز کردارِ بد دور بود
خُنیده به هر جای شهرسب‌نام	نزد جز به نیکی به هر جای گام
همه روز بسته ز خوردن دو لب	به پیش جهاندار برپای شب
چنان بر دل هر کسی بود دوست	نماز شب و روزه آیین اوست»

و یا نمونه‌ای دیگر که در باب مرداس (پدر ضحاک) می‌گوید که او شبگیر برمی‌خاست و پرستش می‌کرد:

«گرانمایه شبگیر برخاستی ز بهر پرستش بیاراستی»

منابع و مأخذ

قرآن کریم

ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۶۲ق.). **خصال**. قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه.

_____ (۱۳۶۳). **عیون أخبار الرضا (ع)**. تصحیح حسینی

لاجوردی. مشهد: نشر رضا مشهدی.

ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۷۴). **ماهیه الصلاة**. ترجمه حسن ممدوحی. تهران: نشر اشراق.

ابن فارس، احمد. (۱۴۱۸ق.). **معجم المقاییس اللغة**. بیروت: دار الفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۸ق.). **لسان العرب**. بیروت: دارصادر.

- امینی، عبدالحسین. (بی تا). **الغدیر**. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۱). **دانشنامه مزدیسنا**. واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت. تهران: نشر مرکز.
- بویس، مری. (۱۳۸۱). **زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها**. ترجمه عسکر بهرامی. تهران: نشر ققنوس.
- بهی، موبد اردشیر. (۱۳۹۰). **نماز در دین زرتشتی**. تهران: نشر فروهر.
- بیناس، جان. (۱۳۵۴). **تاریخ جامع ادیان**. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات پیروز.
- ترمذی، محمدبن عیسی. (بی تا). **سنن ترمذی**. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حائری پور، محمد مهدی. (۱۳۹۲). **آداب نماز**. تهران: ستاد اقامه نماز.
- حرّعاملی، شیخ محمدبن الحسن. (۱۳۹۱ق.). **وسایل الشیعة إلى تحصیل مسایل الشریعة**. تصحیح ربّانی شیرازی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسین زاده، آناهیتا. (۱۳۹۰). **آیین و شریعت زرتشتی**. تهران: انتشارات اردیبهشت.
- حسینی دشتی، سیدمصطفی. (۱۳۸۵). **معارف و معاریف**. تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
- حسینی دهشیری، افضل السادات و ادريس اسلامي. (۱۳۹۱). «آیین زرتشت و دلالت‌های تربیتی آن بر اساس متن گات‌ها». **پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت**. د ۲. ش ۱. صص ۱۲۷-۱۴۶.
- خزائلی، محمد. (۱۳۸۷). **احکام القرآن**. تهران: انتشارات معرفت.
- خورشیدیان، اردشیر. (۱۳۸۷). **پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان**. تهران: انتشارات فروهر.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۴۳). **اوستا، نامه مینوی آیین زرتشت**. ابراهیم پورداود. تهران: انتشارات مروارید.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغت نامه دهخدا**. تهران: مؤسسه چاپ و نشر دانشگاه تهران.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). **المفردات فی غریب القرآن**. تصحیح صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالعلم.
- رضایی، عبدالعظیم. (بی تا). **تاریخ ادیان و جهان**. تهران: انتشارات علمی.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۹). **ایران و فرهنگ ایرانی در عصر اوستا**. تهران: نشر بهجت.
- زرشناس، زهره. (۱۳۳۰). **زبان و ادبیات ایران باستان**. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- زرّین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). **در قلمرو وجدان**. تهران: انتشارات سروش.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۶۲). **فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی**. تهران: کتابخانه طهوری.
- سیوطی، جلال الدین. (بی تا). **جامع الأحادیث**. قاهره: نشر اوقاف و امور خیریه مصر.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۹۰). **نهج البلاغه**. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- شهمردان ایران شهمردان، رشید. (۱۳۸۲). **خرده‌اوستا**. تصحیح و تطبیق از موبد مهربان موبد خدامراد موبد دینیار فیروزگری. تهران: انتشارات فروهر.
- طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۶۶). **تفسیر المیزان**. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر. (بی تا). **تاریخ طبری**. بیروت: بی نا.
- عزیزی، عباس. (۱۳۸۲). **نمازهای مستحبی**. تهران: انتشارات ستاد اقامه نماز.
- عطائی اصفهانی، محمد عباس. (۱۳۸۵). **نماز در سایر ادیان آسمانی و چرا به طرف قبله**. قم: انتشارات حضرت عباس (ع).
- عمید، حسن. (۱۳۸۹). **فرهنگ فارسی عمید**. تهران: راه رشد.
- غزالی، محمد. (۱۳۹۳م.). **احیاء علوم الدین**. قاهره: دار صادر.
- غمخوار یزدی، محمد جواد. (۱۳۷۹). **جایگاه نماز در ادیان الهی**. مشهد: نشر الف.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). **شاهنامه**. به کوشش سعید حمیدیان. مسکو: نشر داد.

- قرشی، علی اکبر. (۱۳۵۲). **قاموس قرآن**. قم: دارالکتب الاسلامیة.
- متقی الهندی، علی بن حسام الدین. (۱۸۸۵ م.). **کنز العمال**. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق.). **بحار الأنوار؛ الجامعة لِدَرَر أخبار أئمة أطهار (ع)**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محدث نوری، میرزا حسن. (۱۳۸۲ ق.). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. تهران: مکتب اسلامیه.
- محمدی، رسول. (۱۳۸۶). **تکالیف الهی، حق یا تکلیف**. تهران: انتشارات آفتاب.
- معین، محمد. (بی تا). **فرهنگ فارسی**. تهران: انتشارات سرایش.
- مفید، محمدبن نعمان. (بی تا). **الإرشاد**. تهران: دارالکتب الإسلامی.
- مقرّم، سید عبدالرزاق. (بی تا). **مقتل الحسین (ع)**. نجف اشرف: بی تا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۸). **رسالة توضیح المسائل**. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
- منوچهرپور، منوچهر. (۱۳۹۰). **بدانیم و سربلند باشیم**. فشردهای از آموزش های دین زرتشت. تهران: نشر فروهر.
- موسوی خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۷۲). **آداب الصلوة**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ . (۱۳۶۸). **التحریر الوسیلة**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مهر، فرهنگ. (۱۳۷۴). **دیدنی نواز دینی کهن**. فلسفه زرتشت. تهران: نشر جامی.
- نوربخش، محمد. (۱۳۷۳). **فرهنگ نوربخش**. تهران: بی تا.